

علل پیدایش کودکان کار

علیرضا مهری

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب

Email:alireza.mehri1402@gmail.com

چکیده

پدیده کودکان کار و خیابانی یکی از معضلات گریبانگیر اکثر شهرهای بزرگ در جهان معاصر است. گسترش پدیده به حدی است که جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را به یک اندازه به خود مشغول کرده است. به همین منظور هدف این پژوهش علل پیدایش کودکان کار است، براساس تحقیقات داخلی و خارجی تعاریف از کودکان کار، علل کودکان کار بحث گردید و براساس نتایج بدست آمده راهکارهایی جهت کاهش این پدیده ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: کودکان کار، پیدایش کودکان کار، شهرداری

مقدمه

کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند که این امر آنها را در بیشتر اوقات از رفتن به مدرسه و تجربه دوران کودکی بی‌بهره می‌سازد و سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می‌کند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیتی استثمارگری تلقی می‌شود.

کار کودکان بسیار معمول است و می‌تواند شامل کار در کارخانه، معدن، روسپی‌گری، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد. ناپذیرفتنی‌ترین شکل‌های کار کودکان استفاده نظامی از کودکان و تن‌فروشی کودکان است. موارد کم‌تر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت‌ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان می‌باشد.

کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشت اما با آغاز سوادآموزی همگانی و تغییراتی که در شرایط کار طی صنعتی شدن به وجود آمد و ظهور مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت. کار کودکان همچنان در جاهایی که سن ترک مدرسه پایین است شیوع دارد.

بر اساس آمار سازمان جهانی کار (ILO)، سالانه ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۴ ساله در جهان محروم از کودکی می‌شوند. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از آنها وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند. ۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. قاچاق انسان از راه‌های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. به جز کارگری برده‌وار، روسپی‌گری و فروش اعضای بدن کودکان، از دیگر سرنوشت‌های کودکان قاچاق است.

موضوع کودکان کار موضوع نسبتاً پیچیده‌ای است و عوامل گوناگونی در آن اثر گذار هستند. از جمله: ساختار خانواده، فقر، تغییرات اقتصادی ناگهانی ناشی از جنگ و ... (که منجر به مهاجرت به کشورهای همسایه برای کار با دستمزد بیشتر می‌شود) و هزینه تحصیل و نظام آموزشی نادرست

کودکان کار در شرایط بسیار نامطلوب از نظر تغذیه، بهداشت و انجام کارهای خطرناک و حاد به سر می‌برند. این کودکان می‌توانند به راحتی بازپچه دست بزهکاران حرفه‌ای اعم از سارقین یا باندهای توزیع مواد مخدر، عوامل ایجاد خانه‌های فساد... قرار گیرند. و همچنین عدم بهره‌گیری از آموزش و تحصیل علم و فن، قدرت رقابت با سایر کودکان در ایجاد یک زندگی سالم را هر چه بیشتر از این کودکان سلب می‌کند.

کودکان خیابانی

کودک خیابانی کودک بی‌خانمانی است که دوره‌ای از زندگی خود را در خیابان سپری می‌کند. کودک خیابانی یک ناهنجاری اجتماعی است

کودک خیابانی بر اساس ماده یک پیمان نامه حقوق کودک، به افرادی اطلاق می‌شود که زیر ۱۸ سال می‌باشند، در خیابان زندگی و کار می‌کنند. خانواده ندارند و یا امکان دسترسی به خانواده برخی از آنها وجود ندارد و بازگشت آنها نیز به خانواده امکان دارد و خانواده نیز منتظر بازگشت آنها است و همینطور کودکانی که خانواده منتظر آنان نمی‌باشد. عواملی مانند ناکامی خانوادگی، جنگ، فقر، حوادث و سوانح طبیعی یا انسانی، سوء استفاده توسط بزرگسالان، مهاجرت و خشونت از مهمترین عوامل کشنده شدن کودکان به خیابان‌ها هستند.

علل کودکان کار**بی‌اعتقادی به تحصیل**

طبق نظر مطلعین، یکی از دلایل مهم در رابطه با آموزش کودکان کار و خیابان، بی‌اعتقادی به تحصیل فرزندان از سوی برخی خانواده‌ها است. این نگرش منجر به شکل‌گیری راهبردهایی برای مواجهه با تحصیل و آموزش کودکان شده که از جمله می‌توان به نداشتن برنامه‌ریزی و ثبت نام کودکان در مراحل پیش دبستانی، تشویق کودکان به کار و حمایت نکردن از برنامه‌های تحصیلی کودکان اشاره کرد که پیامدهایی مانند بی‌رغبتی کودکان به تحصیل، بی‌کیفیتی تحصیل، بازماندن از تحصیل، ترک تحصیل زودهنگام، بی‌توجهی به تحصیل و پذیرش کار را در پی داشته است.

تفکر سنتی به تحصیل

نظر آگاهان این حوزه این است که بسیاری از خانواده‌ها هنوز یک نگاه کاملاً سنتی به مقوله تحصیل دارند. به خصوص در مورد دختران، کارکرد تحصیل را صرفاً ابزاری برای خواندن و نوشتن می‌دانند. از آنجا که این نگرش در یک بستر فرهنگی و اجتماعی برساخته شده، همچنان در میان این خانواده‌ها ادامه داشته و بر طبق آن تصمیم‌گیری کرده و عمل می‌کنند. کودکان هم با توجه به شرایط سنی و وابستگی به والدین از این تصمیم تبعیت می‌کنند، زیرا از این طریق در درون خانواده پذیرفته شده و ضمن سرسپردن به تصمیمات والدین با تشویق و حمایت آنها و سایر اطرافیان هم مواجه می‌شوند. بسیاری از این کودکان این هویت سنتی را پذیرفته و دنباله رو فرهنگ خانوادگی خود هستند.

راهبردهای خانواده‌ها در پی این نگرش، اجازه ندادن به تحصیل دختران از مقطع ابتدایی به بعد، نگاه ابزاری در حد توان خواندن و نوشتن به تحصیل و فرزند را بازوی اقتصادی خانواده دیدن است که ریزش تحصیلی در بین دانش‌آموزان از مقطع ابتدایی به بعد، ازدواج زودهنگام دختران، از دست رفتن فرصت‌های شغلی و تحصیلی در آینده پیامدهای آشکار آن است.

ناامیدی به کارایی و اثربخشی

از نظر مطلعین این حوزه، بسیاری از خانواده‌های کودکان کار و خیابان، امیدی به موفقیت‌های تحصیلی فرزندان و فراهم شدن فرصت‌های شغلی از این طریق در آینده برای فرزندشان ندارند و ترجیح می‌دهند فرزندانشان از اوایل کودکی سراغ کاری بروند که بازدهی مالی هر چند اندک داشته باشد. خود این نتیجه‌گیری زودهنگام منجر به عدم امکان مهارت‌های فنی و حرفه‌ای شده، چرا که زمان بر بوده، در حالیکه کار دست فروشی و تفکیک ضایعات و زباله درآمدی روشن و به روز را در پی دارد(بها و همکاران، ۱۳۹۵).

تاثیرپذیری و تقلید از اطرافیان

در میان خانواده‌های کودکان کار و خیابان، متفاوت اندیشیدن و تلاش برای کشف استعدادها و تحصیلی و یا آزمایش شیوه دیگری برای زندگی فرزندان مشاهده نمی‌شود و بیشتر در یک مسیر خطی، پیرو اندیشه‌ها و نگرش‌های اطرافیان هستند. به طور معمول این خانواده‌ها دارای فرزندان زیادی هستند، در این روند فرزندان نیز از یکدیگر الگو گرفته و مسیر خواهر و برادر بزرگتر خود را دنبال می‌کنند و به دلیل اینکه شبکه ارتباطی متفاوتی را تجربه نمی‌کنند، نمونه‌هایی غیر از این برای آن‌ها مفهومی ندارد. از این رو، بیشتر آنها خود را از بدنه اصلی جامعه جدا انگاشته و احساس حقارت و طردشدگی را هم تجربه می‌کنند.

فقر فرهنگی

فقر فرهنگی به معنای احساس بی‌نیازی به تحصیل و برنامه‌های آموزشی و کافی نبودن شناخت آنها از موضوع است. به گونه‌ای که این مقوله از اولویت‌ها و ارزش‌های فرهنگی آنها محسوب نمی‌شود.

اگرچه این افراد از فقر اقتصادی و مشکلات معیشتی رنج می‌برند، اما موضوع بی‌توجهی به تحصیل و چالش‌های این حوزه با نگرش‌های فرهنگی و به ویژه فقر فرهنگی خانواده‌ها پیوند خورده است. در واقع، این افراد نه تنها از حداقل‌های آموزش و تحصیل بی‌بهره هستند، بلکه در اکثر موارد تمایلی به یادگیری نداشته و حتی در مواردی از این نیاز آگاه هم نیستند.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی باید گفت تا زمانی که نگرش خانواده‌ها به مساله آموزش و از آن مهمتر رویکردهای آموزشی برای کودکان کار تغییر نکند، شاهد تحصیل بسیار بی‌کیفیت و ترک تحصیل‌های فراوان خواهیم بود.

همانطور که می‌دانیم، والدین بر اساس باورهای فرهنگی خود برای مدت و چگونگی تحصیل کودکان تصمیم می‌گیرند و باز بر همین اساس به ترک تحصیل فرزندان خود در مقاطع پایین تحصیلی تصمیم می‌گیرند.

از این رو، راهبردهایی که خانواده‌ها و به تاثیر از آنها، کودکان اتخاذ می‌کنند، نشان دهنده ناکارآمدی مداخلات انجام شده در حوزه آموزش است، زیرا نگاه صرف اقتصادی به چالش‌های تحصیلی منجر به تدوین راه‌حل‌های خطی متأثر از نگاه علت و معلولی شده است.

به نظر می‌رسد به دلیل سیطره فاکتور اقتصادی و تاثیر فراوان این مقوله بر ابعاد مختلف زندگی این گروه، نقش رفتارها و نگرش‌های فرهنگی که در یک دوره زمانی بلند مدت شکل گرفته و به صورت نسل به نسل منتقل شده به خوبی دیده نشده است.

این در حالی است که ما با پدیده‌های اجتماعی سروکار داریم که بسیار پیچیده و چندساحتی هستند. از طرف دیگر این پدیده در ارتباط با انسان بوده که خود موجودی چندبعدی، اندیشه ورز و کنشگر بوده که در برابر پدیده‌های اجتماعی اندیشه می‌کند و پس از بررسی‌هایی که متأثر از باورها و نگرش‌های اوست، دست به عمل و کنش می‌زند.

راه‌های کمک به کودکان کار

داشتن رفتار صحیح با کودکان کار بسیار مهم است. آن‌ها به اندازه کافی در معرض فشارهای مختلف روحی و جسمی از طرف جامعه قرار دارند. به همین دلیل حتی کوچکترین برخورد زنده‌ای می‌تواند تأثیر بسیار منفی بر روی آنها بگذارد. اگر با کودک کار برخورد کردید و از شما خواست چیزی از او بخرید به نکات زیر در رفتار با او در حمایت از کودکان کار توجه کنید. هرگز کودک را نادیده نگیرید. اگر می‌خواهید محصولی خریداری کنید، کالاهای او را ببینید و بخرید. اگر قصد خریدن ندارید با احترام به او پاسخ دهید. البته گاهی در برخی موارد اصرار آنها برای خرید می‌تواند گیج‌کننده باشد، اما با فکر کردن به وضعیت آنها می‌توانیم کمی صبر پیشه کنیم. همه ما هر روز با این کودکان مواجه می‌شویم. پس اگر کیک، شکلات یا تنقلات مشابه در کیف خود داریم خالی از لطف نیست و می‌توانید با دادن یک هدیه کوچک مانند میان وعده آن‌ها را خوشحال کنید. وقتی در مقابل شما هستند از آنها بد صحبت نکنید. برخی جلوی کودکان کار، آن‌ها را تحقیر می‌کنند و الفاظ توهین آمیز به کار می‌برند. به یاد داشته باشید که در هیچ شرایطی نباید کرامت انسانی هیچ کودکی را از بین ببرید. اگر متوجه شدید که شخصی کودکان کار را آزار می‌دهد، سکوت نکنید و بی تفاوت نباشید. در صورت لزوم با اورژانس اجتماعی و خیریه کودکان بی سرپرست تماس بگیرید و برای رفع مشکل کمک بخواهید.

کودکان کار را به موسسات حمایت از کودکان کار معرفی کنید

یکی از بهترین راه‌ها برای کمک و حمایت از کودکان بی سرپرست، معرفی آنها به انجمن‌هایی است که از این گونه افراد حمایت می‌کنند. برای این کار باید با دوستی با کودکان کار صحبت کنید و اعتماد آنها را جلب کنید؛ زیرا وقتی شما را دوست و نیکوکار آنها بدانند، حرف شما در تصمیم آنها تأثیر می‌گذارد.

پس نه از سر دلسوزی، بلکه در فضایی دوستانه با کودکان کار صحبت کنید و سعی کنید آنها را به انجمن‌های بهزیستی یا موسسه خیریه کودکان معرفی کنید. امروزه انجمن‌ها و تشکل‌های زیادی هستند که بدون هیچ چشم‌داشتی از این کودکان بی‌گناه حمایت می‌کنند و این کار را وظیفه خود می‌دانند.

مجرم یا گناهکار نیستند

بچه‌ایی که کنار خیابان بساط کرده یا می‌خواهد شیشه ماشین شما را تمیز کند یا دسته گلی بفروشد گناهی ندارد و جنایتی نکرده است! این کودک کار به دلیل شرایط معیشتی مجبور است که سخت کار کند. پس طوری با آنها رفتار نکنید که احساس کنند کار اشتباهی انجام داده‌اند و گناهکار یا مجرم هستند. این بچه‌ها برای کسب درآمد باید این کارهای سخت را انجام دهند و نگاه‌های دلسوزانه و جنایتکارانه شما می‌تواند آن‌ها را آزار دهد. آن‌ها اگر مجبور نبودند دست به چنین کاری نمی‌زدند.

غذاهای گرم برای حمایت از کودکان بی سرپرست بخرید

خریدن غذای خانگی برای حمایت از کودکان کار یک کمک خوب به حساب می‌آید؛ زیرا اکثر این کودکان دچار سوء تغذیه هستند و در سخت‌ترین شرایط آب و هوایی مجبور به کار می‌شوند؛ بنابراین تهیه غذا برای آنها می‌تواند گزینه خوبی برای کمک به کودکان کار باشد. البته سعی کنید برای آنها غذاهای سنتی و خوشمزه خانگی بخرید و از تهیه فست فود خودداری کنید. خوردن یک وعده غذایی

گرم و سالم می‌تواند ساده‌ترین راه برای کمک به کودکان کار باشد. اگر می‌خواهید به تعداد زیادی از کودکان کار کمک کرده و غذا تهیه کنید، می‌توانید مبلغ مدنظر خود را به خیریه ایتام واریز کنید تا آن‌ها به کودکان نیازمند رسیدگی کنند.

سوژه شبکه اجتماعی نیستند!

طبق گزارشات تعداد کودکان کار در ایران روز به روز در حال افزایش بوده و یکی از دلایل اصلی آن فقر جامعه است. سیاست‌های نادرست حاکمان و بی‌تدبیری آنان در مدیریت منابع، شکاف طبقاتی زیادی را در بین افراد جامعه ایجاد کرده است. اقشار ضعیف جامعه فقیرتر می‌شوند و ثروت سرمایه‌داران در حال افزایش است. این امر منجر به افزایش کودکان کار در شهرهای بزرگ مثل تهران شده است.

در این بین افرادی هستند که از این کودکان به عنوان سوژه اینستاگرام استفاده کرده و به حمایت از کودکان بی سرپرست اهمیت نمی‌دهند. چنین افرادی به این فکر نمی‌کنند که چگونه به کودکان کار کمک کنند و تنها هدفشان جذب فالوور بیشتر و افزایش بازدید است. استفاده از کودکان کار به عنوان ابزاری برای افزایش بازدهی در اینستاگرام، یک فرهنگ غلط و رفتاری ناشایست است.

مراقب سوء استفاده‌های جنسی از کودکان کار باشید

کودکان به دلیل سن کم خود ممکن است از برخی از خطرات موجود در جامعه آگاه نباشند. دیده شده برخی افراد با رفتار محبت‌آمیز به کودکان کار تجاوز کرده و از آن‌ها سوء استفاده جنسی می‌کنند؛ بنابراین وظیفه شما به عنوان یک شهروند این است که چنین رفتاری را به مراجع انتظامی گزارش دهید و این کودکان را به موسسه کودکان بی سرپرست معرفی کنید. این احساس وظیفه می‌تواند از کودکان کار در برابر رفتارهای نامناسب محافظت کند.

وسایل آموزشی برای بچه‌های کار بخرید

کودک کاری که روزی بیش از ۱۱ ساعت در خیابان باشد و کار کند، فرصت مطالعه نخواهد داشت. شاید علاقه‌مند به درس خواندن باشد، اما شرایط زندگی به او اجازه این کار را نمی‌دهد؛ بنابراین با شناسایی چنین افرادی در بین کودکان کار می‌توان برای آنها لوازم‌التحریر خرید و در امر یادگیری و آموزش از آنها حمایت کرد. حتی اگر وقت اضافه دارید و علاقه‌مند به کمک به نیازمندان هستید، هر چند روز یکبار ساعتی را به آنها آموزش دهید.

لباس‌های نو بخرید

دلیلی که باعث شده کودکان در چنین سنی کار کنند، مشکلات مالی خانواده آنهاست. پس چنین کودکی نگران خانواده و خوراک خود است و درآمد ناچیزی دارند و نمی‌توانند لباس بخرند. پس اگر توانایی مالی دارید، علاوه بر لباس جدیدی که برای فرزندتان می‌خرید، یک لباس مناسب هم برای این بچه‌ها تهیه کنید. این هدیه ساده می‌تواند یک کودک کار را بسیار خوشحال کند. اگر می‌توانید هزینه لباس کودکان بیشتری را بپردازید، می‌توانید مبلغ مدنظر خود را به خیریه کودکان کار بدهید تا آن‌ها خریداری کنند.

آنها گدا نیستند!

کودکان کار گدا نیستند که از شما انتظار داشته باشند که به آن‌ها بی‌دلیل پول بدهید. این افراد دستفروشی می‌کنند و به شما گل یا فال می‌فروشند و در ازای آن پول می‌خواهند. یا ممکن است این کودکان شیشه‌های ماشین را تمیز کنند و منتظر بمانند تا شما در ازای کاری که انجام داده‌اند، پول پرداخت کنید. پس سعی کنید با آنها به گونه‌ای رفتار کنید که فکر نکنند گدا هستند و حس بد نگیرند! هر یک از رفتارهای نامناسب شما می‌تواند آسیب‌های روحی و روانی کودکان کار را تشدید کند. اگر قصدتان حمایت از کودکان کار است، باید بیشتر به رفتار و برخورد خود دقت داشته باشید.

قاطعانه و مهربانانه به کودکان جواب بدهید

شما ممکن است به کالاهای خدمات ارائه شده توسط کودکان کار نیاز نداشته باشید. پس در چنین شرایطی قاطعانه و با لحنی مهربان به آنها جواب رد بدهید. زیرا خرید اجباری نه تنها کمکی به کودکان نمی‌کند بلکه می‌تواند دردهای درونی آنها را نیز افزایش دهد؛ بنابراین اگر واقعا نمی‌خواهید خرید کنید، از کودکان کار تشکر کنید و قاطعانه و با لحنی مهربان به آنان جواب رد بدهید.

آیا کمک به بچه‌های کار درست است یا خیر؟

کودکان کار به هر دلیلی اعم از موقعیت اجتماعی خانواده، اعتیاد، فروپاشی خانواده و هر موضوع دیگری مجبور به کار کردن می‌شوند و بهتر است بدانید که که خرید یا نخریدن از این کودکان کمکی اساسی در حل مشکلات نمی‌کند. در واقع مشکلات این کودکان بسیار بنیادی‌تر و اساسی‌تر است. بهترین کمک و حمایت از کودکان کار این است که از مردم انتظار می‌رود که حداقل آسیب بیشتری به این وضعیت وارد نکنند.

بهترین راه کمک به بچه‌های کار کدام است؟

در این بخش به بهترین راه کمک به کودکان کار اشاره می‌کنیم.

توجه به شان و شخصیت آنها

با بچه‌های کار به دید یک فروشنده نگاه کرده و محترمانه رفتار کنید. بهترین رفتار در برخورد با کودکان خیابانی این است که با این کودکان اگر در جایگاه فروشنده هستند مانند یک فروشنده رفتار کنیم، یعنی به آنان توهین نکنیم. به او ترحم نکرده و او را مسخره نکنید، با دستفروشان مانند یک فروشنده محترم رفتار کنید و اگر واقعاً به آن کالا نیاز دارید، آن را بخرید، یعنی با ترحم نخرید و اگر قیمت مناسب است، آن را تهیه کنید. احترام به شان و شخصیت کودکان کار بهترین رفتاری است که می‌توانید در قبال آن‌ها داشته باشید.

ترحم کردن ممنوع!

در صورتی که تمایلی به خرید از دستفروشان ندارید، آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار ندهید. اگر نمی‌خواهید چیزی بخرید، اذیت نکنید و به آن‌ها ترحم نداشته باشید. طبق گفته متخصصان و مددجویان اجتماعی، اگر قصد کمک مالی و حمایت از کودکان کار را دارید، بهتر است به آنان کمک غیرمادی کنید. دادن پول به آن‌ها و دیدن آنان به چشم تکدی‌گرایان، توهین به این کودکان است چون اگر قرار بود مشکل این بچه‌ها با اندک پولی که شما می‌خواهید کمک کنید، حل شود دیگر آنان در خیابان کار نمی‌کردند.

موسسه خیریه حمایت از کودکان کار، بهترین راه حمایت

اگر واقعاً می‌خواهید از این کودکان حمایت کنید بهترین کار این است که آنان را به موسسه حمایت از کودکان کار و خیریه‌های مربوطه معرفی کنید. همکاری با سازمان‌هایی که توسط داوطلبان برای حمایت از این کودکان ایجاد شده است بهترین اقدامی است که می‌توان در قبال این کودکان انجام داد. در حال حاضر وزارت کشور به راحتی مجوز تاسیس موسسات خیریه می‌دهد و مردم می‌توانند دور هم جمع شوند و یک خیریه ثبت کنند؛ در این خیریه می‌توانند تعدادی کارشناس مانند مددکاران اجتماعی، مشاوران و... را به کار گیرند تا کودکان بی سرپرست را تحت پوشش قرار دهند.

زمانی که مددکار یا مشاور از خانواده یا کودک کاری حمایت می‌کند، عزت نفس خانواده و آن کودک حفظ می‌شود و بخش دلسوزانه این نوع حمایت‌ها از بین می‌رود و مددکار موظف است بر وضعیت خانواده نظارت داشته باشد، مثلاً به پدر در خصوص اعتیاد وی می‌گوید که ترک کند و مددکار هزینه ترک اعتیاد را پرداخت می‌کند. این حمایت باعث دلگرمی می‌شود و این کمک حس بد القا نمی‌کند. این نوع حمایت‌ها بسیار بهتر بوده و مشکل را بنیادی حل می‌کند.

با اعتماد کردن به موسسات خیریه از آنها حمایت کنید

اگر مردم می‌خواهند مسئولیت اجتماعی خود را در قبال کودکان کار انجام دهند توصیه سازمان بهزیستی و موسسه کودکان بی سرپرست، این است که به یک خیریه اعتماد کنند و در قالب آن موسسه کمک مالی کنند. اگر افراد برای کمک و حمایت به موسسه‌ای اعتماد ندارند، می‌توانند خود موسسه‌ای راه‌اندازی کنند.

این موسسات و خیریه‌های حمایت از کودکان کار فقط به خانواده‌هایی کمک می‌کنند که از روی اجبار فرزندان خود را به خیابان می‌فرستند تا نیاز مالی خانواده را فراهم کنند (یزدانی و همکاران، ۱۴۰۱).

نتیجه‌گیری

امروز مسئله کودکان کار در شهرهای بزرگ بسیار پررنگ است. یکی از عوامل دینامیکی و تأثیرگذار در رویش مقوله کودکان کار، مسئله حاشیه‌نشینی است. در شهرهای حاشیه‌ای سهم کودکان کار بسیار زیاد است. یکی از مهارت‌های بنیادینی که هر یک از شهروندان باید دارا باشند، مهارت ارتباط با چنین معضلاتی است؛ چراکه این ارتباط تأثیر زیادی در آینده جامعه خواهد داشت. زمانی که کودکان کار به سراغ شهروندان می‌آیند، نباید خیلی به موضوع خرید کردن از ایشان و دادن پول به آن‌ها فکر کرد، بلکه شهروندان باید بیشتر به رفتار خود با این کودکان توجه داشته باشند. تلاش‌های معلمان و آموزش‌دهندگان به کودکان کار با رفتارهای تحقیرآمیز و یا ترحم‌آمیز برخی شهروندان نسبت به ایشان به سرعت از بین می‌رود. رفتار درست با کودکان کار کمک شایانی به ایشان می‌کند و تأثیر زیادی در آن‌ها خواهد داشت.

نحوه رفتار صحیح با کودکان کار تأثیر بسیار بیشتری از مؤسسات آموزشی و ... دارد. شهروندان باید مراقب نحوه رفتار خود با کودکان کار باشند. تحقیر و توهین از جمله رفتاری است که متأسفانه از سوی برخی شهروندان نسبت به کودکان کار بروز داده می‌شود. رفتاری همچون ترحم نیز لطمه زیادی به این افراد می‌زند. شهروندان نباید ناراحتی خود از باب کار کردن کودکان کار را از طریق ابراز ترحم به ایشان ابراز کنند.

آگاهی‌بخشی که دارای ظرفیت لازم نباشد، مخرب است. متأسفانه شهروندان از روی دلسوزی رفتاری از خود نشان می‌دهند که به کودکان کار لطمه می‌زند. در مورد خرید کردن یا نکردن نیز توصیه می‌شود که چنانچه شهروندان به محصول این کودکان نیاز دارند، از ایشان خرید کنند و رفتاری با آن‌ها داشته باشند که گویی با یک فروشنده حرفه‌ای سروکار دارند.

گاهی اوقات در معابر کودکانی هستند که درخواست مواد غذایی دارند که برای حمایت از ایشان باید از شیوه‌های رفتاری مناسب استفاده کرد. امروز همان‌گونه که شهروندان باید از سواد رسانه‌ای، سواد ملی و ... بهره‌مند باشند، نیازمند سواد اجتماعی و به دنبال آن نحوه مواجهه با کودکان کار نیز هستند. باید بدانیم تک تک این کودکان مستعد هستند و در صورت آموزش صحیح، صاحبان مشاغل و حرف مختلف خواهند شد.

هرگونه مداخله حاکمیتی که بخواهد طی یک مدت کوتاه نسبت به حل ریشه‌ای معضل کودکان بپردازد، قطعاً با شکست مواجه خواهد شد. مداخله صحیح، مدنی، آموزشی و مهارت‌آموزی است که متولی آن نیز باید مردم بوده و فقط زیرساخت آن از سوی حاکمیت و نهادهای مربوطه فراهم شود. متأسفانه شرایطی در کشور وجود دارد که خود بخش‌هایی که متولی نظارت بر این امور هستند، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که ذهنیت مردم نسبت به فعالیت‌های مردمی و سمن‌ها تخریب می‌کنند.

منبع:

ایمانی جاجرمی، حسین، فیروزآبادی سیداحمد (۱۳۸۶) بررسی مدل‌های سنجش عملکرد مدیریت محلی: با تأکید بر سازمان‌های مدیریت شهری و روستایی در ایران، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۳۲، از صفحه ۹۱ تا صفحه ۱۱۱.

بها، محمد (۱۳۹۵)، نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد) آوای همیاری، شماره ۹، پیله وری، نازنین (۱۳۹۴) ارائه الگویی جهت ارزیابی حکمرانی خوب شهری (شهرداری منطقه ۱۰) پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۵، شماره ۴.

سجاسی قیداری حمدالله، حاجیان، نرگس (۱۳۹۷)، ارزیابی مدیریت محلی در مناطق روستایی با شاخص‌های حکمروایی مطلوب نمونه موردی: روستاهای توابع شهرستان چناران، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۷ صص ۲۰۸-۱۹۱.

قادری صلاح الدین، فاضلی محمد، پاک سرشت سلیمان (۱۳۹۵) راهبردهای محله محوری و توسعه محله‌ای: مقایسه الگوی مدیریت محله و عملکرد آن در ایران و انگلستان، نشریه توسعه محلی (روستایی - شهری)، شماره ۱۴، صص ۵۷-۸۸ حمیدرضا یزدانی و رضا یازرلو، «تحلیل نگرش‌های فرهنگی خانواده در حوزه آموزش کودکان کار و خیابان»، فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ، ۱۴۰۱، دوره اول، شماره ۴، ۶۷-۷۹